



قیمت اشتراک سالانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کافه
۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مراسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

* * شنبه ۵ اردی بهشت ماه ۱۲۸۷ یزدگردی = ۲۸ ذی القعدة ۱۳۳۵ هجری * * Jahrg. 2 . Nr. 23 . 15. September 1917

باشد موفق نگشتند در زمستان بعد تهیه فوق العاده و خیلی مهمتر از سال گذشته دیدند برای آنکه در بهار سال ۱۹۱۷ (۱۳۳۵) حتی بقصد دیرینه خود نائل شوند. چون نتایج این نقشه بواسطه پیشدستی کردن قشون آلمان بعقب نشینی معروف ایشان از بعضی قطعاتی جبهه غرب معروف بمواقع «زیگفرید»^(۱) که در معرض تهدید دشمن واقع شده بود بکلی عقیم ماند لهذا انگلیسها و فرانسهها در آوریل امسال (جمادی الآخرة) معاً بنای حمله سختی گذاردند: انگلیسها در آراس و فرانسهها در شامپانی. غرض اصلی از این هر دو حمله شکافتن صفوف آلمان بود در دو جناح قشون آلمان در بین و یسار مواقع «زیگفرید». هر دو حمله با تلفات بسیار سخت خونین برای دشمن رد شد. و بدرجه متفقین در این جنگ زیاد بود که افکار عمومی در فرانسه سخت بهیجان آمده حکومت جمهوری فرانسه مجبور بجزل فرمانده گل زرنال نیول^(۲) گردید. با وجود این شکست فاحش و خیت مساعی و تلفات فوق العاده باز نه انگلیسها و نه فرانسهها از مقصد اصلی خود یعنی شکافتن صفوف آلمان

خلاصه اوضاع جنگ
هجوم فلاندر و وردن و ایزونسو

فتح ریگا

در این چهار هفته اخیر سه هجوم شدید دشمن در سه جبهه مختلف بروی داده که هر کدام در حدت و شدت با دیگری گوئی مسابقت میورزیدند. و آن عبارت است از حمله انگلیسها در فلاندر و فرانسهها در وردن و ایتالیاها در ایزونسو. و هر سه حمله با تلفات زیاد و پیشرفت اندک برای دشمن رد شده و اکنون در کار خاموش شدن است.

حمله انگلیسها و فرانسهها — بعد از آنکه انگلیسها و فرانسهها در تابستان سال گذشته (۱۹۱۶ = ۱۳۳۴) در جنگهای تاریخی سم قریب ۷۰۰۰۰۰ نفر تلفات دادند و بمقصد اصلی خود که شکافتن صفوف آلمان

Nivelle (۲) Siegfried (۱)

تناسب با تلفات سنگین ایشان ندارد و بمقصد اصلی خود که فتح تریست باشد اگر دورتر از روز اول نباشند در هر صورت نزدیکتر نشده‌اند.

فتح ریگا - در اثناء آنکه دشمن از هر طرف در غرب و جنوب هجوم میکرد و مردم سرگرم تفصیل هجمات ثلثه سه دولت بزرگ خصم بودند ناگهان بدون انتظار ابلاغیه آلمان در غره سپتامبر (۱۴ ذی القعدة) یک خبر مختصری منتشر کرد بدین مضمون که قشون آلمان در حوالی شهر اوکسکول^(۱) (در جنوب شرقی ریگا) از رود دونا عبور کردند. این خبر اثر غریبی در جمیع دوائر موافق و مخالف کرد چه این فقره بدوست و دشمن ثابت نمود که با وجود احاطه دشمن فائق العدد از هر طرف و با وجود حملات متحد مشترک آنها در جمیع میندانهای حرب که بایستی جمیع قوای آلمان صرف دفاع حملات ایشان گردد باز اداره نظامی آلمان بقدر کفایت قشون و استعداد و توپخانه فراهم دارد که بیکی از مستحکمترین نقاط جبهه شرق حمله نماید. کسانی که اندک وقوفی از کیفیت استحکام این نقطه داشتند دانستند که عبور از دونا مقدمه سقوط ریگاست ولی هیچکس باین نزدیکی گمان نمیکرد. طولی نکشید که این پیش بینی ظاهر شد ولی بجه سرعت! دو روز بعد در ۳ همان ماه (۱۶ ذی القعدة) ابلاغیه شب آلمان که عبارت بود از همین سه کلمه موجز: «ریگا گرفته شد» خبر فتح ریگارا که از اعظم فتوح این جنگ عالمگیر است بمساع جهانیان رسانید.

ریگا پایتخت حکومت لیونند ویکی از مهمترین بنادر تجاری روس و صاحب صدها کارخانجات صنعتی از هر قیل است و بنا بر آخرین احصائیه چند سال پیش جمعیت ریگا قریب ۵۰۰،۰۰۰ نفر است و واقع است بر هر دو ساحل غربی و شرقی رود دونا ولی قسمت عمده شهر در جانب شرقی است و یک نیم دایره بشعاع ۳۰ کیلومتر در جانب غربی رود دونا استحکامات حصینه فوق العاده دارد با یک ساخلوئی که عبارت بود از ۱۵۰،۰۰۰ نفر با جمیع آلات و ادوات حربیه جدید. مواقع مستحکم و خنادق حصینه روسها از دو سال باینطرف در غایت استحکام و رصانت ساخته شده بود بطوریکه گرفتن آنها تقریباً از خوارق عادات بنظر میآید. خود شهر ریگا شهری است بالذات آلمانی و بقول «تایمس» مورخه ۴ سپتامبر «ریگا ملکه دریای بالتیک یک شهر آلمانی بود ولی خارج از آلمان. شهر متس^(۲) [پای تحت لورن] آفندر فرانسوی نیست و شهر تریست آفندر ایتالیائی نه که ریگا آلمانی است». هنوز بعد از دویست سال تسلط روس و ممنوع بودن مطلق تکلم بزبان آلمانی چه در ادارات رسمی چه در روابط خصوصی افراد بیکدیگر و تلاش دائمی دولت روس در روسی کردن اهالی دو خمس سکنه آن آلمانی است و باقی از عناصر مختلفه لت و غیره و فقط قسمت قلبی از آن روس است. رویهمرفته شهر از حیث عمارات و ابنیه بخصوص کلیساها و تمدن و زبان یک

دست بر نداشتند و باز مجدداً استعدادات پیش از پیش دیده انگلیسها در ۳۱ ژولیه ۱۹۱۷ (۱۱ شوال ۱۳۳۵) در فلاندرز حمله بسیار سختی نمودند و حملات خود را در ۱۶ و ۲۲ و ۲۷ اوت (۲۷ شوال و ۴ و ۹ ذی القعدة) بشدت هرچه تمامتر تکرار کردند و با تلفات فوق العاده و نتیجه غیر معنی به که عبارت بود از تصرف چند کیلومتر اراضی (در زیگمارک^(۱) ۴ کیلومتر و در سن ژولین^(۲) ۲ کیلومتر) حملات ایشان بکلی رد شد. در ۲۰ اوت (۲ ذی القعدة) فرانسه‌ها در شمال وردن در هر دو ساحل رود موز در یک قطعی بطول ۲۳ کیلومتر با نوزده دیویزیون (یا قریب ۴۰۰،۰۰۰ نفر) حمله بسیار سختی نمودند و چندین روز متوالی حملات خود را تکرار کردند و باز با نتیجه بسیار حقیر (در ساحل غربی موز تا رود فورز^(۳) و در ساحل شرقی تا خط سامونیو-بومون^(۴) پیش آمدند) و تلفات بسیار عظیم حملات ایشان نیز بکلی رد شد. و اخیراً باز در ۷ سپتامبر (۲۰ ذی القعدة) فرانسه‌ها در شمال وردن در ساحل شرقی موز حمله بسیار سختی نمودند که باز بکلی رد شد. شکی نیست که حملات انگلیسها و فرانسه‌ها تمام نشده و باز تجدید خواهد گردید و نیز شبهه نیست که قوی و استعداد ایشان فوق العاده زیاد و همت ایشان خیلی عالی و عزم ایشان سخت راسخ است ولی در این هم شبهه نیست که با وجود همه اینها حملات دشمن در مقابل دیوار آهنین قشون آلمان با آن فرماندهان عالم عاقل و صاحب منصبان شجاع فداکار و با آن روح وطن پرستی و از خود گذشتگی که در جمیع افراد ملت زنده جوان آلمان حلول کرده و جمیع قشون آلمان را از سردار گل تا آخرین تاین جمعاً و فرداً اداره میکند جز حکایت مشت و سندان هیچ چیز دیگری نیست. قشون آلمان مغلوب نشدن است!

حمله ایتالیائیا در ایزونسو^(۵) - حمله بسیار سخت ایتالیائیا در قطاع ایزونسو در ۱۹ اوت (غره ذی القعدة) شروع شد و این جنگ یازدهم است که در این قطاع واقع میشود. ایتالیائیا این مرتبه از جمیع دفعات سابق استعداد و لوازم حربیه را بیشتر تهیه دیده و چهل و هشت دیویزیون (یا قریب ۷۵۰،۰۰۰ سرباز) بکار انداخته بودند. فقط در یک قطاع کوچک در فلات کارست^(۶) هفت هزار عراده توپ از بزرگ و کوچک همه در آن واحد از دهان آتشبار خود تین آسا آتش استفرغ میکردند چنانکه صدای توپها تا چندین فرسخ در داخلی اطیش و ایتالیا مسموع میشد. ایتالیائیا در این جنگ که اکنون (۱۲ سپتامبر = ۲۵ ذی القعدة) تقریباً در کار خاموش شدن است ۲۳۰،۰۰۰ تلفات (از آنجمله ۲۰،۰۰۰ اسپر) از دست دادند و نتیجه که بدست آوردند یکی دو قریه خراب (مونه سانتو، سلو^(۷)) و چند کیلومتر اراضی است که بهیچوجه

Forges (۴)
Karst (۶)

St. Julien (۲)
Isonzo (۵)

Langemarck (۱)
Samogneux-Beaumont (۴)
Monte Santo, Selo. (۷)

Metz. (۲) Dexküll (۱)

تعدیات نظامیان روس

در ایران

پس از انقلاب روسیه

معلوم میشود که خوی بد اصلاً در نهاد نظامیان روس سرشته شده و تغییر سلطنت از استبداد بمشروطه یا جمهوری که در فرمان دهندگان قشون و غیره تبدیلات بعمل میآورد در طبیعت وحشی قزاق که نتیجه تربیت سالهای دراز است باین آسانها تغییری بعمل نخواهد آورد. برای اثبات این قفره ما ذیلاً بعضی از حرکات نظامیان روس را در ایران از جرایدی که اخیراً از ایران رسیده استخراج کرده بنظر خوانندگان میرسانیم تا بصحت گفته ذیل که: خوی بد در طبیعتی که نشست نرود تا بوقت مرگ از دست معترف آمده و دامنگیر پاره ساده لوحها که بعدها ممکن است موجب پشیمانی بیهوده گردد نشوند:

در ماه رجب قشون روس در همدان بنای غارت و چپاول را میگذازند و از اهالی و کسبه هر که در صدد جلوگیری یا دفاع مال و ناموس خود برمیآید مجروح مینمایند و کار را بجائی میرسانند که مردم بازارها را بسته و در قونسولخانه انگلیس چادرها زده و در آنجا متحصن میشوند. و مسئله این قتل و غارت را اخطاریه خود فرمانده قشون روس ژنرال پاولف که در همدان اعلان کرده و در روزنامه «ایران» شماره ۷۳ مندرج است تصدیق دارد. اخطاریه مذکور عیناً از اینقرار است:

«خاطر عموم را مستحضر میدارد بر حسب مسموع زمان غیاب این جانب عده از سالدات مرتکب بعضی حرکات خلاف قاعده نسبت باهالی شهر از پول و غارت دکاکین و غیره شدهاند. برای آسایش عموم برؤسا و صاحب منصبان دستور العمل لازم داده شد که همه قسم جلوگیری نمایند که از این گونه وقایع رخ ندهد. از طرف رئیس شهر هم برای جلوگیری از اینگونه وقایع قراولان مخصوص گماشته شده است. با این حال گمان دارم این تهدید و ضمانت این جانب برای عموم کافی خواهد بود. لهذا عموم تجار و کسبه را برای باز کردن حجره و دکاکین خود دعوت می نمایم که با سودگی بامور زندگانی و کسب خود مشغول باشند. خسارتی هم که در این موقع باهالی وارد آمده پس از تعیین داده میشود.

فرمانده کل اردوی اعزامی خط ایران.

جنرال پاولف»

شماره ۸۳ روزنامه مزبور در تحت عنوان «باز هم تعدی نظامیان» شرح مفصّلی نوشته و میگوید اطلاعات کثیره راجع بسوء رفتار و تعدی نظامیان روس از اغاب نقاط همه روزه واصل میشود. سپس صورت تلگراف مفصّلی را که از قم بمضای جمع کثیری از خدام و تجار و سادات

شهر آلمانی است و بهمین مناسبت جراید آرا «آخرین شهر شرق آلمان» می نامند و فرج و سرور خود را از اینکه بالأخره جزء بکل و فرع باصل ملحق گردید بنمایان ترین وضعی ظاهر ساختند.

در ۳۱ اوت (۱۳ ذی القعدة) توپخانه و دستگاه بمب اندازی آلمان در نهایت درجه شدت شروع بگلوله باران مواقع مستحکمه روسها در جانب غربی دونا نمود و بزودی شدت گلوله باران بدرجه رسید که مواقع دشمن بکلی زیر و زبر گردید و دشمن آنها را بمجله تخلیه نموده عقب نشست. فردای آروز (عرة سپتامبر = ۱۴ ذی القعدة) قشون هشتم آلمان در حوالی شهر اوکسکول از دونا عبور کردند و صف روس را بکلی شکافتند. سرعت پیشرفت قشون آلمان واقعاً حیرت انگیز بود. عصر ۲ سپتامبر (۱۵ ذی القعدة) قشون آلمان در قسمت غربی ریگا که واقع بر جانب غربی نهر است وارد شدند و صبح ۳ (۱۶ ذی القعدة) قسمت شرقی شهر را که قسمت اصلی است تصرف کردند. در ۴ (۱۷ ذی القعدة) بساحل دریای بالتیک رسیدند و روسها شهر دونامونده (واقع بر مصب دونا در خلیج ریگا یازده کیلومتر در شمال غربی ریگا) را تخلیه نموده آلمانها تصرف کردند و همان روز از رود «آ» ی لیولندی (برای تمیز از «آ» ی کورلاندی که در جنوب دوناست) عبور کردند. در ۵ (۱۸ ذی القعدة) قشون دوازدهم روس در تحت فشار قشون آلمان جمیع مواقع خود را در جانب غربی دونا از دونامونده تا فریدریش اشتات (۱) تخلیه کرده و بسرعت تمام با نظام پریشان خود را عقب کشیدند. در ۶ سپتامبر (۱۹ ذی القعدة) سواره آلمان بهمتاد کیلومتری در مشرق ریگا رسیده بودند؛ در ۷ (۲۰ ذی القعدة) روسها مواقع خود را تا کوکن هوزن (۲) (بین فریدریش اشتات و یا کوب اشتات (۳)) تخلیه کردند. عملیه قشون آلمان در قطاع ریگا از حیث قوت و سرعت و اهمیت موقع از جلایل اعمال حربیه دنیا است و برای اینکه شخص یک تصور اجمالی از سرعت آن بنماید باید بمخاطر آورد که فقط در عرض ۵ روز قشون آلمان ۳۴۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی دشمن بحیطة تصرف آورد. عرض قطاعی که قشون آلمان در جبهه ریگا شکافتند قریب ۱۴۰ کیلومتر است یعنی تقریباً بعرض مجموع جبهه های انگلیس و فرانسه از دریای شمال تا حوالی سن کانتین. جمیع مواقع مستحکمه روسها در طول این ۱۴۰ کیلومتر بچنگ آلمانها افتاد. تلفات دشمن چه در ارتجاع سریع و چه در جنگهای رو برو فوق العاده است. مقدار ۸۹۰۰ اسیر و ۳۲۵ توپ که ثلث آن از توپهای سنگین است و عده کثیری عرابه های زره پوش و مقدار عظیمی آلات و ادوات حربیه و ارزاق بدست فاتحین افتاد. فرمانده مخصوص قشون آلمان در این جنگ ژنرال هوتیه (۴) است که اعلیحضرت امپراطور تلگراف مخصوصی باو کرده از جانب خود و مملکت از او تشکر نمود. بحکم اعلیحضرت قیصر در برلین و آلتزاس لورن تمام کوچه ها را با بیرق آراستند و مدارس را یک روز تعطیل کردند.

Jakobstadt (۳)

Kokenhusen (۲)

Friedrichstadt (۱)

General Hutier (۴)

امروز ظهری قونسول روس با یک نفر صاحب منصب بدار الحکومه آمده و تقریر کرد که سه قبضه طباخچه «نقان» از جبهه خانه ما مفقود شده ما بتصور اینکه سالداتها فروخته‌اند سه نفر سالدات را تحت استنطاق آورده آنها را توقیف کرده بودیم. امروز یک نفر مسلمان را که مظنون بسرقت بود سالداتها گرفته و در صدد شورش بر آمده‌اند که مسلمانان مرتکب سرقت میشوند و ماها دچار فشار استنطاق میشویم اکنون بیازار ریخته شهر را غارت خواهیم کرد. عجله با هزار زحمت جلوگیری کرده از این خیال مانع شدیم لیکن در صدد اقدام دیگر برآمده توپ باسها بسته میخواستند شهر را بمباردمان نمایند. الان آمده‌ام شما میگویم اگر طباخچه‌ها را تا سه روز پیدا نکردید روز چهارم شهر بمباردمان خواهد شد. بالجمه حکومت بیچاره و اهالی فلک‌زده در اضطراب افتاده «پرستاو» شهر را که یک نفر گرجی و هواخواه ایرانیان است فرستادند رفته آن یک نفر مسلمان را بحکومت آورده استنطاق نمودند. معلوم شد یک نفر سالدات مشار الیه را باین اسم که یک مقدار فشنگ پنج تیر عثمانی باو خواهد فروخت نزدیک اردو برده و در آنجا سالداتها ریخته او را گرفته بدم توپ بسته‌اند که خیال دزدی داشته است. باری حکومت بزحمت زیاد سه قبضه طباخچه از همان رقم تدارک کرده و نمره آنها را تغییر داده در عوض طباخچه‌هایی که مدعی مفقود شدن آنها بودند تسلیم کرده موقتاً رفع غایبه شد. لیکن باز دیروز قونسول بتاجر باشی خودشان خبر داده است که رعیت روس از شهر خارج شوند که ما این شهر را باید بسوزانیم. باز حکومت بمنزل رئیس قشون رفته و پس از گفتگوی زیاد این غایبه را رفع کرده تا بعد از این پلایتیک چه اقتضا کند. بعلاوه روسها غلّه ولایت را پارسال جبراً گرفته و کشیده بققاز برده‌اند. حالیه گندم چهل تومان است و با این حالت وضع رفتارشان هم این است.

همان روزنامه شماره ۹۷ مینویسد: در روز ۱۱ مه‌ان چند نفر از سالداتهای روس در قم با کسبه طرف شده نزاعی بین آنها واقع میشود. سالداتها چند نفر از اهل بازار را کتک زده فعلاً تمام دکاکین بسته با عده از آقایان در تلگرافخانه متحصن و منتظر هستند اولیای امور از تعذبات نظامیان جلوگیری نمایند.

این بود مختصری از وضع رفتار نظامیان تازه بنعمت آزادی رسیده روس در ایران. و باید دانست که استخراجات مذکوره فقط از چند شماره روزنجات است که تازه بدینجا رسیده است و شکی نیست که حقیقت بمراتب از آنچه از اخبار فوق استنباط میشود سخت‌تر است. بنا باخبری که اخیراً از منابع دیگر رسیده معلوم میشود در قزوین نظامیان روس بملاحظه تنزل فوق العاده منات خشمگین شده و بیازارها ریخته و بنای غارت و چپاول را گذاشته‌اند و خسارت فوق العاده باهالی و کسبه بیچاره وارد آورده‌اند.

و اصناف معروف بداره روزنامه رسیده است درج میناید. مضمون تلگراف مزبور اینست که متجاوز از یک سال و نیم است که اهالی قم تحمل انواع تعذبات و تجاوزات نظامیان روس را نموده و بملاحظه اینکه اسباب زحمت برای دولت نشود بهرگونه سختی و بدبختی ساخته و حرکتی بر خلاف انتظام نکرده‌اند ولی این اوقات کارد باسنخوان رسیده و با وجود قحط و غلامان روس بشتت بر تعذبات و چپاول خود افزوده‌اند. در شهر هر قدر جو و کاه و یونجه نزد هرکس سراغ کرده حتی از دکانهای خبازی عتفاً میبرند و معادل ثلث قیمت عادلها را هم نمیدهند و در قنوت و باغات و مزارع حومه شهر میروند و جزئی محصول که باندازه قوت دو ماه رعیت نیست بزور شکنجه و شلاق کشیده میبرند.

در همان روزنامه شماره ۸۵ در زیر عنوان «شکایت از نظامیان» مینویسد: تلگرافات عیدیه مشروح و مفصل از اغلب نقاط راجع بتظلم و شکایت از سو رفتار در جلوگیری از مکاری و اموال و احشام و تعرض بمنازل سکنه قری و شهرها مجدداً بمکرر رسیده و میرسد. از آنجمله اطلاعات واصله از همدان حاکی است که اهالی ناچار قبل از غروب دکاکین و بازارها را بسته و جرئت بیرون آمدن از خانه‌ها ندارند حتی شبها چراغهای منازل و بازارها را از وحشت روشن نمیکنند.

باز در همان شماره مینویسد: چند روزی است شایعاتی چند راجع باعدام چند نفر در کرمانشاه از طرف مأمورین روسیه جریان دارد. سابقاً هم خبر استعفای حکمران آنجا بما رسیده بود که یکی از علل آن سوء رفتار مأمورین روسیه در آن حدود بوده. در خبر مزبور اطلاع داده شده بود که فتح السلطان کلیائی و چند نفر دیگر را که تأمین داده بودند دستگیر نموده و مخصوصاً فتح السلطان با اطمینانی که باو داده بودند بمنزل حکومت ورود کرده نظامیان مشار الیه را از آنجا برده و با کمال سختی توقیف کرده‌اند.

در شماره ۹۱ می نویسد که نظر بشکایات و تزلزل اهالی سندج از توقف قشون روس در شهر در نتیجه اقداماتی که بعمل آمد بالأخره قشون روس از شهر سندج بخارج نقل مکان خواهند کرد و نگرانی اهالی رفع خواهد شد.

روزنامه «ارشاد» شماره ۱۲۴ در تحت عنوان «شکایت از قشون روس» مینویسد: از قاین تلگرافاً از قشون روس شکایت میکنند و بوزارت داخله در این باب شرحی تلگراف نموده‌اند.

ولی از همه عجیب‌تر وقایعی است که در خوی روی داده و در شماره ۹۳ «ایران» مندرج است. روزنامه مذکور مینویسد که در تاریخ ۱۶ شعبان از خوی می‌نگارند: از قضایای حیرت آور این است که سه روز قبل حکومت عصری جمعی از وجوه بلد را احضار و اظهار نمود که

رضای عباسی^(۱)

نقاش ایرانی

بقلم پروفیسور ایگن میتوخ

تعلق روز افزونی که در این ده سال اخیر از طرف ارباب فکر و ذوق و دوستداران صنعت فرنگستان بالتسبه بصنعت اسلامی بمنصه ظهور رسیده مخصوصاً اهمیت زیادی بنقاشان ایران که تصاویر متعدده آنها در نسخ خطی و اوراق متفرقه جداگانه تا این ایام باقی مانده داده است. تصاویری که ذیلاً بنظر خوانندگان میرسد از زمان شاه عباس بزرگ (۹۹۶-۱۰۳۸) و جانشین وی شاه صفی اول (۱۰۳۸-۱۰۵۲) است که در دوره ایشان صنعت ایران از نو زندگی تازه یافته بود. این تصاویر از یک مرقعی که اکنون از مستملکات پروفیسور زاره^(۲) مورخ معروف فنون و صنایع است انتخاب شده است. پروفیسور معزی الیه بواسطه تفحصات دقیق در این راه و بوسیله مرقعات و مجموعه‌های خطی نفیس خود که از هر جا جمع نموده کمک بزرگی بشهر صنایع اسلامی در مملکت آلمان و تسهیل فهم آن کرده است. مرقع پروفیسور زاره علاوه بر تصاویر خمس ذیل مشتمل است بر بیشتر از پنجاه قطعه تصاویر دیگر. اغلب تصاویر جنگ مذکور دارای امضا و رقم یک صورنگر ایرانی است که کارهای وی از زمان خود او تا امروز چه در ایران و چه در نقاط دیگر شرق طرف توجه زیاد بوده وهست. یک عده زیادی نیز از تصاویر این نقاش کم بفرنگستان آمده و اکنون یا در موزه‌ها و یا در مجموعه‌های خصوصی موجود است. نقاش مزبور موسوم است بعلی رضای عباسی که عموماً بطور اختصار رضای عباسی یا رضا عباسی گویند. رضا عباسی نقاش مطبوع دربار شاه عباس بزرگ بوده است. اگرچه وی در تبریز در نیمه دوم قرن دهم هجری متولد شده ولی در ابتدای جوانی باصفهان آمده و طرف توجه و نوازش پادشاه عصر که ذوق صنعتی داشت گردید. و ظاهراً لقب «شاهنواز» هم که همقطاران وی باو میداده‌اند از همین بابت بوده است.

تمام تصاویری را که دارای امضای رضا عباسی نیست نمیتوان از روی اطمینان بوی نسبت داد زیرا که رضا عباسی مقلد بسیار دارد و بسیاری از نقاشان چه از معاصرین وی و چه از متأخرین اغلب از روی گرده او کار کرده‌اند. در بعضی تصاویر بی امضا که جزئیات فنی نقش با تصاویر امضا شده طابق التعل بالمثل مطابق است شکی نمیاند که آنها کار خود رضا عباسی است. ولی در پاره تصاویر بی امضای دیگر نمیتوان اطمینان حاصل نمود که کار رضا عباسی است یا کار نقاشی دیگر از معاصرین وی در دوره شاه عباس بزرگ.

در این سنوات اخیر چندین بار بعضی از نقاشیهای رضا عباسی نشر شده و بتازگی نیز یک کتاب مبسوطی مخصوص بکارهای رضا عباسی تألیف و طبع گردیده است^(۱). کتاب مذکور مشتمل است بر ۵۰ مجلس تصویر که در ۴۸ ورقه عکس برداشته شده و همه آن تصاویر منقول است از مجموعه خطی مذکور متعلق پروفیسور زاره. پیش از مجالس تصویر چندین صفحه متن اصل کتاب است که بقلم پروفیسور زاره و راقم این سطور [پروفیسور میتوخ^(۲)] نگاشته شده است. پروفیسور زاره وصف تصاویر را نموده و اهمیت صنعتی آنها را بیان کرده و راقم این سطور عباراتی که این استاد در پای تصاویر خود رقم کرده خواننده و سعی کرده است که بوسیله این رقها و باستعانت اقوال مورخین و سایر مآخذ دیگر عصر حیات رضا عباسی و روابط او را با اساتید و شاگردان خود و همچنین با بعضی از نقاشان دیگر که اسامی آنها با اسم وی متشابه است و بهمین جهت تصاویر ایشان نیز اغلب بیکدیگر التباس شده است تعیین نماید و یک تصور اجمالی از شخصیت صاحب ترجمه بدست

دهد.

کارهای صنعتی رضا عباسی عبارت است از دو نوع: یکی تصاویر مندرجه در نسخ خطی و دیگر اوراق متفرقه جداگانه. تصاویری که از وی در نسخ خطی مندرج است عموماً از روی همان شیوه معمولی اینگونه مجالس تصویر است و بهمین ملاحظه اختصاصات صنعتی آنها محدود است. ولی تصاویر متفرقه وی در اوراق جداگانه که گاهی رنگی است و گاهی نیم رنگ و نیم قلم و گاه دیگر بدون رنگ و فقط گرده‌های ساده است بر عکس دارای اختصاصات فنی و مزایای صنعتی بسیار است. و مخصوصاً صنعت خالص در این گرده‌ها مشاهده میشود چه از روی آنها طرز کار کردن نقاش بخوبی مجسم میشود و آشکار میگردد که چگونه با نقش در تلاش است و در پی شباهت سیما و حرکات میگردد و چندین بار در نقش تغییرات و تصحیحات بعمل میآورد تا عاقبت بمقصود اصلی خود موفق میشود. بسا هم میشود که رضا عباسی تصویرهای قدیم

(۱) «تصاویر رضا عباسی» تألیف فریدریش زاره و ایگن میتوخ دارای ده تصویر در ضمن متن و ۴۸ تصویر مستقل که بعضی از آنها با رنگ است. کتاب مزبور در مونیخ در مطبعه بروکن در سال ۱۹۱۴ (۱۳۳۲) بطبع رسیده و بمناسبت پیش آمدهای جنگ فقط در اوایل سال ۱۹۱۶ (۱۳۳۵) منتشر شده است. (Zeichnungen von Riza Abbasi, von Friedrich Sarre und Eugen Mittwoch. Mit zehn Abbildungen im Text und 48 zum Teil farbigen Tafeln. München 1914. F. Bruckmann A.G.) این پنج مجلس تصویر از کتاب مذکور باجازه مطبعه بروکن در این جریده مجدداً طبع شد. اداره «کاوه» کمال تشکر از مطبعه مینماید.

(۲) پروفیسور میتوخ از مشاهیر مستشرقین آلمان است و مخصوصاً در زبان عربی مهارتی کامل دارد و بسیاری از مجلدات «طبقات ابن سعد» در تاریخ صحابه و تابعین تألیف محمد بن سعد کاتب و اقدی که باهتنام پروفیسور ساختو طبع میشود بتصحیح پروفیسور میتوخ معزی الیه است.

(۱) نقل و ترجمه از مجله «عالم اسلامی» Die Islamische Welt شماره ۷.

(۲) Prof. Friedrich Sarre این همان پروفیسور زاره است که از شعبان ۱۳۳۲ بیعد قونسول دولت آلمان در کرمانشاه بود.

وکار کسان دیگر را بتوسط سرسنباق تیزی در روی ورق دیگری طرح اندازی کرده و بعد آنرا بر حسب ذوق خود پرورانده و تکمیل مینماید. بعضی از قلمزنیهای ساده او که در حقیقت حکم یاد داشتی را داشته که بعدها بایستی تکمیل شود دارای جذابیت و حسن مخصوصی میباشد. و اغلب اینگونه قلمزنیها تاریخ و محلّ نقش را داراست.

در ذیل بعضی توضیحات در خصوص پنج تصویر منقول در این جریده داده میشود و برای جزئیات دیگر طالب باید باصل کتاب مذکور رجوع نماید:

۱- بزّاز: اگرچه این تصویر امضا ندارد ولی از همان نظر اوّل معلوم میشود که عمل رضا عباسی است. شخص بزّاز دستار بر سر با ریش بلند و قبای دراز بر روی فرش حاشیه‌داری نشسته و در دست وی پارچه ریشه‌داری است و در جلو وی نیز یک قطعه پارچه



دیگری دیده میشود با یک مقراض و یک قلمدان و یک دوات و دو ورق کاغذ. بزّاز مزبور پارچه‌را که در دست دارد بمشتری نشان میدهد.

۲- شکارگرگ: این تصویر با قلم مو و رنگ سیاه کشیده شده و دارای رقم ذیل است «هو در روز جمعه بیست و هفتم شهر شعبان المعظم سنه هزار و پنجاه و دوم مشق شد» و عبارت است از سواری که از چپ بر است میتازد و تیری بیکی از دو گرگ که در پشت کوه در طرف راست دیده میشوند انداخته است. در دور دست درختی دیده میشود که یک قسمت شاخهایش خشکیده است.

۳- یابوی پیر لاغر دنده بیرون دویده. این صورت بسیار واصف حقیقت است و با وجود سایه‌کاری مخصوصی که دارد نظر بعضی خصوصیات دیگر میتوان گفت که کار رضا عباسی است. ولی چنانکه در فوق گفته شد



۵ - صورت پیر مردی است دستار بر سر که عضای بلندی در دست دارد و بر روی قبا خرقه کوتاهی پوشیده است. سر پیر مرد مخصوصاً خوب کشیده شده و دارای دماغی است معوج مانند قلاب. این تصویر نیز با قلم مو رسم شده و دارای رقم ذیل است «در روز سه شنبه دوازدهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۵۰ بنسند درگاه آب رنگ کرد».



در صحت نسبت این ورقه و نظایر آن برضا عباسی نمیتوان بطور قطع اطمینان کاملی داشت.

۴ - ساقی: این صورت تصویر یک ساقی است که دو زانو نشسته و در یک دست جامی و در دست دیگر که بروی زانو گذاشته است میوه دارد. یک قسمت این صورت با رنگ قرمز و قسمت دیگر سیاه است و رقم شده است «رقم کیمینه رضا عباسی».



ژاندارمری ایران

مقاله ذیل را جناب مازور محمد تقی خان از اجلة صاحب منصبان ژاندارمری ایران که در شماره یازدهم «کاوِه» بمناسبت دریافت کردن نشان «صلیب آهن» ذکر از ایشان شده است و این اوقات برای معالجه موقتاً در برلین تشریف دارند برای درج در «کاوِه» باداره ما فرستاده اند:

پس از پنج سال و اندی خدمت و جانفشانی در اواسط سال ششم خود ژاندارمری دولتی ایران در شرف وداع زندگانی بوده و جان

میدهد. برای شرح خدمات این اداره نوری و جوان ایران کتاب مفصلی لازم و وقت کافی با جمعیت خیال واجب است. اینک در این لایحه بطور اختصار خدمات عمده را شرح داده و توجه طبقات عالی وطن پرستان و وطن محبوب خود را بنگهداری بقیة السیف آن که در هفتم جوزای همین سال پیش از هشتصد نفر نبود جلب نموده و اقدامات مجدانه آن ذوات محترما عاجزانه خواستگار میشوم.

زانداری (امنیة سابق) در اواخر سنه ۱۳۲۹ در تحت تعلیم صاحب منصبان سوئدی تشکیل شده و بتدریج زانداریهای خزانه نیز که مستر مرگان شوستر امریکائی در ایران مخصوص وصول مالیات تشکیل داده بود جزو این اداره گردیدند. صاحب منصبان سوئدی با یک صمیمیت فوق العاده که تا امروز در کمتر از مستخدمین و مستشاران خارجی ایران دیده شده است شروع بکار کرده و در عرض مدت قلیلی با مخذورات فوق العاده داخلی و خارجی اغلب از طرق و شوارع مهم ایران را که تا آنوقت از کثرت قطع الطریق و اشرار مسدود شده بود و هیچ مسافر یا مال اتجاره سلامت عبور نمیکرد و همواره اغتشاش راههای مذکور بهانه بزرگ دول همجوار بود منظم کرده و قراولخانههای مرتب در آنها بنا نهاده و از هر حیث امنیت دادند. و در اجرای مقاصد فوق دوش بدوش صاحب منصب و زاندارم ایرانی در مقدمترین صفوف جنگ بر خلاف مواد کثرات خودشان که نبایستی در جنگ شرکت نمایند فقط با مر و جدانهای خود جنگیده عده قربانی داده و عده دیگری مجروح بوطن خود مراجعت نمودند.

فداکاری افراد ایرانی از صاحب منصب و تاین نیز تصور میکنم بر هر یک از کودکان خرد سال تا پیران ساحلورد ایران پوشیده نبوده و ستونهای جراید آن ایام بهترین شاهد و وجدانهای پاک اهالی نیکوترین گواه است. قوای زانداری نه فقط وظایف مرجوعه خود بلکه همه وقت تکالیف یک قوه نظامی را انجام داده و در اغلب مواقع دستجات هفت الی نه مرتبه بزرگتر از عده خود را در سایه تعلیمات نظامی مقهور و مغلوب ساخته و در خلاصه این فداکاریها توانست خدمات ذیل را انجام دهد: دو راه عمده و بزرگ تجارت از طهران تا بوشهر و از طهران تا کرمانشاه را که بواسطه اشرار در نقاط مختلفه مسدود بوده و برای امنیت آن حدود حکام و الا مقام همه ساله مبالغی خطیر مخارج قشون کتی گرفته و بحیب خود میریختند امنیت داده و قراولخانهها را در بین و یسار جاده زنجیر مانند بهمیدگر وصل نمود و در راه دور و دراز بوشهر عده قلیلی زاندارم توانست عموم مال التجاره را سالمآ بمقصد رسانیده و از تعدیات عشایر بیحد و حصر آنحدود جلوگیری نماید.

نیز در سنه ۱۳۳۲ در عوض اردوهای دوازده هزار نفری و مصارف زیاد که والیهای بروجرد و لرستان یک سال قبل از حرکت مشغول نوشتن بودجه و تهیه اردو میشدند توانست ایلات پشتکوه و پیشکوه را تقریباً مطیع دولت نموده و صحرای لرستان را که جز لره‌های و حتی کسی را قدرت تمتع از گل و ریاحین آن نبود محل سیر جوانان تحصیل کرده طهران نموده و با چند برج تا تنگه ازنا امنیت دهد. و اگر اتفاقات جدید رخ نداده بود این راه نیز تا شوشتر منظم شده و قابل عبور هر قسم مال التجاره میشد. البته لازم بتوضیح نیست که موفقیت در این مقاصد بدین

سهولت که بنده در لایحه مختصر خود گنجانیده و با کلمات «امنیت داده»، «منظم نمود» بیان نموده و میگذرم نبوده بلکه اداره زانداری برای وصول بهر یک از مقاصد فوق قربانیهای زیاد داده و در اغلب جاها از قبیل شیراز و کرمان و بروجرد و لرستان و کاشان و همدان و قم و غیره بقدری تلفات زیاد بوده که تشکیل قبرستانهای مخصوص داده و از کشته پشته ساخته اند. بالاخره در این جنگ عالمگیر نیز با وجود سرگرمی در داخل مملکت که با اشرار داخلی و یاغیان دولت داشت دفع دشمن خارجی را بر داخلی ترجیح داده با فقدان اسباب و آلات لازمه و عدم مساعدت اولیای دولت فرصت را از دست نداده فقط با مشت (تفنگهای کارابین با هر یک صد فشنگ از مشت هم کمتراند) جلو توبهای صحرائی جدید الاختراع و سایر ادوات حربیه که اسامی آنها نیز بر افراد این اداره مجهول بود برای دفاع حقوق وطن مألوف و وقایع استقلال مملکت قدیم کیانی و حفظ قوانین شریعت مطهر نبوی در جلو سیل قوای منظم دشمن چندین ماه بالانفراد (بهمراهی قسمتی از عشایر) و بالاخره دوش بدوش با قوای دولت علیه عثمانی در مقصد مشترک جنگیده و لیاقت خود را در مقابل قوای نظامی چندین صد ساله اروپائی نیز ثابت نمود. چنانکه حملات گروهانهای زاندارم با عده قلیل در کنگاور و ده نو و کنگاور کهنه و حملات متعدد سواره نظام زاندارم در ملایر و نقاط دیگر بر عموم مبرهن و اقامه شهود و یتسه لزومی نخواهد داشت.

برای حصول مقصد اخیر زانداری انواع مختلف قربانها داده که یک قسمتش را سبب دشمن و اقسام دیگر را دوستان موجب گردیده اند که قلم شکسته و زبان بسته مارا یاری تحریر و تقریر آن احوال نبوده و فقط سلامی از دور با جساد جوانان شهید که در صحراهای عربستان و لرستان و در میان قصر و کرمانشاهان قبرستانها تشکیل داده و اغلب مدفون هم نیستند داده و شرح واقعات الم انگیز آنها را در دل محزون خود تا موقع مرگ نگاه میداریم.

اینک وکلای ملت یا حافظان ناموس مملکت را مخاطب قرار داده عرض میکنم آقایان، آیا خدمت زانداری بدین زودی از خاطر شماها محو گردید؟ آیا نمیخواهید از شهدا و مقتولین این اداره که تبه و ماهورهای ایران و جلگه‌های عراق عرب و لرستان را پر کرده اند یادگاری داشته باشید؟ آیا انتقام یاور علیقلی خان، سلطان غلامرضا خان مظلوم، سلطان معاضد مسموم، سلطان مسعود خان مسلول و سایر محبوسین رنجور شیراز را نمیخواهید بکشید؟ آیا یحیی خان تائب رشید که دلاورانه حمله کرده و پس از گرفتن چندین سنگر دشمن جان خود را نثار استراحت اعقاب خود کرد فراموش شد؟ آیا تصور میفرمائید بدون داشتن همین قوه پریشان مختصر اهمیتی را که دارید محافظه خواهید فرمود؟ آقایان محترم وقت همت و جوانمردی است اگر بتوسیع اقتدار ندانید اقلآ از نگهداری این مختصر نمونه غفلت فرموده و ارواح شهدا را از این موهبت مسرور فرمائید. بنده نیز با امیدواریهای زیاد لایحه مختصر و بی غرضانه خود را ختم کرده و مطمئنم که وطن پرستان ایران فرمان قتل زانداری را امضا نخواهند فرمود.

م. ت. سلطان زاده

یاور زانداری دولتی ایران